

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# شترت

شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ • ۱۵ شوال ۱۴۴۷ • ۴ آوریل ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۵۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۸:۴۷ • اذان صبح فردا ۴:۲۰ • طلوع آفتاب ۵:۴۶

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

### جنگ‌خوانی

### مازنده‌ماندن را تمرین می‌کنیم



**کیسو فغفوری**؛ روز سیزده‌به‌در، در حالی که گاهی صدای انفجار به گوش می‌رسید، در خیابان‌ها می‌چرخیدیم شاید به دنبال کمی زندگی. مردم کنار بزرگراه‌ها، میان بوستان‌ها و اطراف شهرها، هرجایی که فضای سبزی پیدا کرده بودند، زیرانداز پهن کرده و نشسته بودند، با بازی می‌کردند یا جوجه روی منتقل باد می‌زدند. کمی آن طرف‌تر گشت‌های شهری بودند و بسیجی‌ها و مأموران مسلح- از دور همه چیز مرتب به نظر می‌رسید اما انکار جای پس از یک ماه و خرد‌های تجربه جنگ، بیشتر از قبل قدر لحظه‌لحظه دور هم بودن را می‌دانسیم. قدر داشته‌هایی که از آن خبر نداشتیم، قدر دوستانمان را و خیلی چیزها را.

مقصود ما در روز سیزده‌به‌در راهی کوهستانی بود در شمال تهران لابه‌لای کوه‌های البرز مرکزی که جاهای مختلفیش می‌شد ایستاد و چشم‌اندازهای زیبا را نگاه کرد و در انتهایش روستایی بود که می‌شد جای آتشی و تنقلات دیگر خورد.

از بزرگراه پیچیدیم به جاده مورد نظر، شلوغ بود. مردم کنار جاده اطراق کرده بودند. ایست‌بازرسی راه را بسته بود. گفتیم: ما فلان روستا می‌خواهیم برویم. گفتند راه بسته است. گفتیم فرض کنید ساکن روستا هستیم. گفت کوه‌ها را یک ساعت پیش زده‌اند و نمی‌توانیم اجازه بدهیم.

دور زدیم و فکر کردیم مسیر مشابهی در جاده چالوس شاید بتواند مقصدمان باشد. با این پیش‌فرض که جاده چالوس شلوغ است.

اتوبان را که می‌رفتیم نزدیک گرمدره دوباره دیدیم که راه بسته است. این بار سادتر پذیرفتیم و هدایت شدیم به جاده‌ای فرعی. از قضا در مسیرمان پم‌بنزین بود و هیچ صفی نبود. بنزین زدیم و پرس‌وجو کردیم. آنجا شنیدیم که فاجعه‌ای رخ داده است؛ از کارگر B1 که قرار بود شهر کرج را به جاده چالوس وصل کند و از روی رود کرج می‌گذرد، زده‌اند. بارها سازه فلزی پیل را که هنوز افتتاح نشده بود، دیده بودیم. تراپب تهدید کرده بود که دو پل زیبا در نظر داریم. دوستم در گروه نوشت ما هواپیماها را دیدیم که پیل را زدند. تمام وجودم یخ زد برای تمام خانواده‌هایی که آنجا را برای سیزده‌به‌در انتخاب کرده بودند. راه دیگری نبود و باید برمی‌گشتیم تهران. چند ساعت بعد خواندم بیش از صد نفر کشته و زخمی شده‌اند. اتوبان را در گرمدره از زیرگذر دور زدیم و برگشتیم سمت تهران. ساعتی بعد اعلام شد گرمدره را زده‌اند. از غرب به مرکز رقتیم؛ از کارگر پیچیدیم پایین. ساختمان ژاندارمری که بعدها به ناجا تعلق گرفته بود، تقریباً نابود شده بود. به پسرم گفتم من سال‌های کودکی در ساختمان روبه‌رو که آن هم نابود شده بود اما درش به جا مانده بود مطب چشم‌پزشکی می‌رفتم. پاپن‌تر به سمت اردیبهشت رقتیم و خیابان آذریایجان؛ می‌خواستیم بدانیم از انستیتو پاستور چه مانده است. جایی که سال‌های کودکی برای زدن واکسن آنجا می‌رفتیم و هنگام برگشتن از قنادی پاستور برایمان بستنی می‌خریدند. وسط راه بی خیال شدیم. چه چیزی را قرار بود ببینیم یا نبینیم، به هر حال آنجا دیگر از کار افتاده بود، چه یک مقدار خراب شده بود و چه کامل. مثل شاد و فولاد اصفهان که دوستم در شهرضا چند روز است

برایش گریه می‌کند؛ برای نابودشدنش، برای بیکاری حداقل چهار هزار نفر کارگر آن. ما گریه می‌کنیم و در دل عصبانی هستیم از هزاران نفری که رسیدن به این روزها را برایمان رقم زدند. فهرست مکان‌هایی را که آسیب دیده‌اند در ذهنم مرور می‌کنم؛ از پل‌های کوچک و بزرگ تا ۱۳۴ اثر تاریخی که در کل کشور نابود شده‌اند، از شرکت‌های تولید دارو تا ۶۰۰ مدرسه ویران شده. گاهی فکر می‌کنم آیا قبل از این نابودی‌ها می‌دانستم چه دارایی‌هایی داریم؟

ما آمریکایی‌ها باید بفهمیم که این وضعیت [جنگ با ایران] «روال عادی» نیست. بنابراین در این نوشته، واقعیت‌هایی را مطرح می‌کنم که همه باید درباره آنچه در حال وقوع است بدانند. اینها براساس گزارش‌های خبرگزاری آموشیتدپرس، سازمان جهانی بهداشت، رویترز و ناتو است؛ نه تفسیر، نه خبر جعلی، بلکه واقعیت. آنچه اکنون در حال وقوع است، یک کارزار هوایی مداوم است؛ نه یک حمله مقطعی یا واکنش کوتاه‌مدت. رویترز گزارش داده در طول حدود یک ماه، بیش از ۱۱ هزار هدف مورد حمله قرار گرفته است.

چنین رقمی نشان می‌دهد با یک عملیات محدود روبه‌رو نیستیم، بلکه با یک تهاجم جنگی گسترده مواجه هستیم. برای مقایسه، زمانی که ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ حملات تلافی‌جویانه‌ای در عراق و سوریه انجام داد، مجموع اهداف حدود ۸۵ مورد بود. حتی عملیات‌های بزرگ برای «ارسال پیام» هم معمولاً در همین حدود باقی می‌مانند. اما مقیاسی که اکنون می‌بینیم، به‌مراتب متفاوت است. نزدیک‌ترین نمونه در تاریخ اخیر، لیبی در سال ۲۰۱۱ است. آن عملیات هفت ماه ادامه داشت و حدود شش هزار هدف را مورد حمله قرار داد. سرعت و حجم حملات کنونی، از آن نمونه، بسیار فراتر رفته است. عامل مهم دیگر، ماهیت شهری است که هدف قرار گرفته. تهران شانزدهمین شهر بزرگ جهان است، با میلیون‌ها نفر جمعیت و زیرساختی متراکم و به‌هم‌پیوسته. در چنین جایی، حمله به اهداف صنعتی یا انرژی، به‌طور اجتناب‌ناپذیر بر زندگی روزمره مردم اثر می‌گذارد و نمی‌توان پیام‌هایش را محدود کرد. براساس گزارش واشنگتن‌پست، تا اواخر ماه مارس بیش از هزارو ۴۰۰ غیرنظامی ازجمله بیش از ۲۰۰ کودک کشته شده‌اند. وقتی نوشته‌های دوستانه‌ای از ایران را می‌خوانم، تصور می‌کنم این اعداد حتی کمتر از واقعیت باشد. آنها از هدف قرارگرفتن مناطق مسکونی می‌نویسند، از مردمی که اجساد را از میان مجتمع‌های آپارتمانی بیرون می‌کشند. مدارس و دیگر مراکز غیرنظامی بارها هدف قرار گرفته‌اند. سازمان جهانی بهداشت حمله به مراکز درمانی را تأیید و فدراسیون بین‌المللی



مراسم تشییع بیکر مطهر دریابان پاسدار «شهید علیرضا تنگسیری»، با حضور اقشار مختلف مردم از ساعات اولیه دیروز جمعه در خیابان ذالفقاری آبادان برگزار شد. عکس: علی معرف، ایرنا

## جنگ با ایران، راهی بدون هیچ نقطه روشن



**بیل کانیکزبرگ\***

صلیب سرخ اعلام کرده دست‌کم ۲۰ هزار نفر در طول یک ماه زخمی شده‌اند. بنابراین وقتی دونالد ترامپ می‌گوید ایران را آن‌قدر شدید هدف قرار خواهد داد که «به عصر حجر بازگردد» و مشخصاً به زیرساخت‌های برق و نفت اشاره می‌کند، من به‌شدت نگران می‌شوم و شما هم باید نگران شوید. این زیرساخت‌ها پایه‌های حیاتی بیمارستان‌ها، تأمین آب، ذخیره غذا و حمل‌ونقل هستند. اختلال در آنها پیامدهایی دارد که بسیار فراتر از هدفی مشخص گسترش می‌یابد. برای کسانی که با جنبه انسانی ماجرا همراه نمی‌شوند، حتی هزینه مالی آن هم باید باعث تأمل جدی شود. به‌عنوان نمونه، مداخله سال ۲۰۱۱ در لیبی، طبق گزارش آموشیتدپرس، طی هفت ماه حدود یک تا دو میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشت و متحدان نیز در این هزینه سهیم بودند. اما این عملیات عمدتاً بر عهده خود ماست. آنچه اکنون رخ می‌دهد، با سرعتی بسیار بیشتر پیش می‌رود؛ در حالی که فقط در یک ماه هزاران هدف مورد حمله قرار گرفته‌اند. براساس داده‌های مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی و ارقام پنتاگون، فقط شش روز نخست این عملیات ۱۱.۳ میلیارد دلار هزینه داشته و تا روز دوازدهم به ۱۶.۵ میلیارد دلار رسیده است. مرکز پیشرفت آمریکا برآورد کرده که هزینه ماه اول به ۲۴ میلیارد دلار رسیده است. هیچ نشانه روشنی از اینکه این هزینه‌ها تا چه زمانی ادامه خواهند داشت یا هدف نهایی دقیقاً چیست، وجود ندارد. تغییر رژیم؟ چگونه بازگردادن شانزدهمین شهر بزرگ جهان به «عصر حجر» قرار است

### روان خوانی

## امیدوارانه زیستن در روزهای جنگی



**مهدی ملک‌محمد**

روانشناس

نشان می‌دهد و هر چقدر جهان برای فرد از بدو تولد تا امروز ناامن‌تر تفسیر شده باشد، در روزهای جنگی نیز اضطراب بیشتری را تجربه خواهد کرد، اما همه به نوعی میزان تشویش و پریشانی در وجود خویش هستند. این طبعی‌ترین اتفاقی است که ذهن ما با همراهی جسم شکل می‌دهند. دومین نکته، مفهوم آینده است. مهم‌ترین و برجسته‌ترین تخریب جنگ، مفهوم آینده در ذهن مردمی است که با تخریب خانه‌ها و زیرساخت‌های شهرشان مواجه‌اند و شونده تهدیدهای دشمن شریری هستند که به انهدام منابع و ساختارهای تولید انرژی می‌انديشد. در چنین روزهایی باید با فهم قوانین ذهن راهی میانه را برگزید و آن، تعیین اهداف کوتاه‌مدت است که آینده را در مسافتی کوتاه‌تر از همیشه ترسیم کند. به جای اینکه به اهدافی بیندیشیم که باید تا پایان سال به آنها برسیم، می‌توانیم اهدافی را تعیین کنیم که با تلاش و برنامه‌ریزی تا پایان روز یا پایان هفته به آنها دست خواهیم یافت. همچنین با درک ذهنی‌که می‌خواهد فقط به بحران پیش‌آمده بیندیشد و از چنین ذهنی چندان توقع تمرکز طولانی‌مدت بر یک تکلیف نمی‌رود، می‌توان بازه‌های زمانی پرداختن به یک تکلیف را کوتاه‌تر از همیشه کرد؛ ۲۵ دقیقه پرداختن به یک تکلیف و سپس یک وقفه پنج‌دقیقه‌ای و دوباره ادامه کار برای یک ۲۵ دقیقه دیگر.

سی‌وپنجمین روز جنگ، وطن همچنان زیر موشک و بمب و حملات پهبادی است. از تهران تا عسلویه، خارک، انزلی. چند روز پیش و بعد فولاد مبارکه و انستیتو پاستور و پل کرج، پاسکاه و کلانتری و مدرسه و بیمارستان هم که از روز اول مورد حمله قرار گرفت. برای وطنم مرثیه نمی‌خوانم، وطنم نه فقیر است، نه ضعیف! آنکه فکر می‌کند می‌تواند برش گرداند به عصر حجر، حتی اگر هوش جلیک و حافظه ماهی هم داشته باشد، می‌داند این حرف اندازه دهانش نیست. ایران سرزمین بزرگی است که حتی نامش را نمی‌تواند درست تلفظ کند؛ آیرن! آنها که نامه نوشتند که به ایران حمله کند، آنها که بعد از حمله به ایران با آهنگ دلخواه او رقصیدند، هنوز خوشحال‌اند؟ کدام جنگ در کجای دنیا، آبادی و آزادی آورده؟ این روزها می‌گذرد، ایران می‌ماند، مجروح و زخمی، اما سرپا می‌شود، و محکم. جنگ روزی تمام می‌شود، مثل جنگ ایران و عراق که تمام شد، اما عملیات مرصدا در تاریخ ماند. این جنگ هم تمام می‌شود و نام آنها که به وطن خیانت کردند در تاریخ خواهد ماند.

### یادداشت

### برای وطن مرثیه نمی‌خوانم



**فایزه طباطبایی**

سی‌وپنجمین روز جنگ، وطن همچنان زیر موشک و بمب و حملات پهبادی است. از تهران تا عسلویه، خارک، انزلی. چند روز پیش و بعد فولاد مبارکه و انستیتو پاستور و پل کرج، پاسکاه و کلانتری و مدرسه و بیمارستان هم که از روز اول مورد حمله قرار گرفت. برای وطنم مرثیه نمی‌خوانم، وطنم نه فقیر است، نه ضعیف! آنکه فکر می‌کند می‌تواند برش گرداند به عصر حجر، حتی اگر هوش جلیک و حافظه ماهی هم داشته باشد، می‌داند این حرف اندازه دهانش نیست. ایران سرزمین بزرگی است که حتی نامش را نمی‌تواند درست تلفظ کند؛ آیرن! آنها که نامه نوشتند که به ایران حمله کند، آنها که بعد از حمله به ایران با آهنگ دلخواه او رقصیدند، هنوز خوشحال‌اند؟ کدام جنگ در کجای دنیا، آبادی و آزادی آورده؟ این روزها می‌گذرد، ایران می‌ماند، مجروح و زخمی، اما سرپا می‌شود، و محکم. جنگ روزی تمام می‌شود، مثل جنگ ایران و عراق که تمام شد، اما عملیات مرصدا در تاریخ ماند. این جنگ هم تمام می‌شود و نام آنها که به وطن خیانت کردند در تاریخ خواهد ماند.

### ایمن‌خوانی

### چگونه موقع انفجار از خودمان مراقبت کنیم؟

در مهندسی بقا، اصل اول قرارگرفتن در «سایه انفجار» یا مکان امن است. «سایه انفجار» فضایی از خانه است که در مسیر مستقیم پرتابه‌ها و موج متراکم قرار ندارد. برای پیداکردن این سایه، باید به دنبال «خط کور» بگردید. خط کور یعنی نقطه‌ای از خانه که وقتی در آن می‌ایستید یا دراز می‌کشید، هیچ دید مستقیمی به هیچ‌کدام از پنجره‌های خانه نداشته باشیم. دیوارها نقش سپهر را بازی می‌کنند. راهروها یا اتاق‌هایی که پنجره‌ای ندارند، یکی از فضاهای امن است. اگر در اتاقی می‌خوابید که پنجره دارد، نباید روی تخت‌های بلند خوابید. بهتر است محل خواب جایی باشد که پرتابه‌های شیشه به آن نرسد یا از روی سر افراد عبور کند.

مسئله مهم دیگر خطر پناه‌گرفتن زیر میز است. پناه‌گرفتن زیر میز در زمان انفجار خطرناک است. برخلاف زلزله که قرارگرفتن زیر میزهای محکم می‌تواند خطر ریزش آوار روی سر افراد را کم کند، در زمان انفجار این خطر وجود دارد که موج انفجار موجب شکسته‌شدن پایه‌های میز شود و به این ترتیب صفحه سنگین می‌زوی فرد سقوط کند و مانند دکوبت باعث له‌شدگی، آسیب شدید یا حتی مرگ افراد شود. بنابراین برخلاف توصیه‌ها و باورهای رایج، پناه‌گرفتن زیر میز راه‌حل مناسبی در زمان انفجار نیست و خطرناک است. در علم پزشکی تروما، برخورد یک جسم سنگین و تَده باد بار کشته‌تر از بردگی‌های سطحی ناشی از ترکش‌های شیشه است.

در معماری و مهندسی بقا می‌توان از لوزام خانه به‌عنوان عناصر فداشونده یا محافظ استفاده کرد. مثلاً اگر آشپزخانه دیوار این دارد، خوابیدن پشت دیوار این یک جای امن است. با اگر کمد یا کتابخانه بزرگی داریم، به‌جای اینکه زیر کمد یا کتابخانه سنگین بخوابیم که افتادن آن خودی می‌تواند عاملی مرگ‌آور باشد، می‌توانیم کتابخانه یا کمد را به صورت افقی روی زمین بخوابانیم و پشت آن قرار بگیریم. اگر امکان خواباندن آن را نداریم باید حداقل به اندازه ارتفاع کمد یا کتابخانه از آن فاصله داشته باشیم تا در صورت سقوط، روی افراد نیفتند.

موج انفجار می‌تواند فشار زیادی را وارد خانه کند به‌طوری‌که چهارچوب درهای اتاق‌ها یا در خانه دچار اغوجاج یا کج‌شدگی شود و در این صورت افراد در خانه حبس می‌شوند. برای جلوگیری از این وضعیت باید کاری کنیم که در صورت انفجار در خانه باز شده و موج انفجار از آن خارج شود. برای این‌کار می‌توان یک وسیله مثل کتاب یا گلدان در مسیر بسته‌شدن در قرار داد تا در بسته نشود. برای اینکه کمترین آسیب به اندام‌های حیاتی بدن وارد نشود باید به شکلی روی زمین قرار بگیریم که بها به سمت خطر یعنی پنجره‌ها باشد. همچنین نباید به صورت مستقیم تمام بدن روی زمین قرار بگیرد. باید به شکلی روی زمین قرار گرفت که شکم مستقیم روی زمین نباشد، برای این کار زانو‌ها و آرنج‌ها روی زمین قرار می‌گیرد.

سومین نکته همان است که ناخدا‌های باتجربه در دریا‌های توفانی اجرا می‌کنند؛ لنگرانداختن. گاهی در زمانه‌های بحران مانند جنگ، چنگ‌انداختن به زمان حال ارزش تکاملی بیشتری دارد تا توجه به آینده. وقتی اضطراب مانند موج‌های دریا چنان سرکش می‌شود که تمام وجود را به لرزه درمی‌آورد، تداوم حرکت می‌تواند موج را مهیبت‌ر و وجود را شکننده‌تر کند. در چنین لحظاتی باید توقف کرد و ایستاد و ذهن را در حال نگه داشت. تنفس جعبه‌ای (چهار ثانیه دم، چهار ثانیه نگه‌داشتن نفس در سینه، چهار ثانیه بازم و در نهایت چهار ثانیه نفس‌کشیدن)، راه‌رفتن با توجه به فشردگی پاها روی زمین، ورزش‌کردن و توجه به جزئیات محیط (رنگ، بو، شکل)، بخشی از راهکارهای نگه‌داشتن ذهن در زمان حال هستند که می‌توانند برای دقایقی ذهن پریشان را آرام کنند. هر فردی با توجه به علایق خود می‌تواند راهی را بیابد که بر پرداختن به آن آدمی آرام شود. هرچند این کاملاً طبیعی خواهد بود که ممکن است برای یک فرد هیچ راه‌کاری نتواند او را حتی برای دقایقی از فاجعه‌پنداری نجات ندهد و پذیرش چنین ناگامی‌ای برای برخی از افراد بخشی از پروژه نجات در زمانه بحران است.

و آخرین نکته اندیشیدن به تمامی زمان‌هایی است که هریک از ما به‌نوعی در آن گیر کرده و بحرانی را با تمامی وجود تجربه کرده‌ایم. در هریک از این دوره‌ها ممکن است ناامیدی مطلق رسیده و تصور رسیدن به ته خط را در ذهن خود ترسیم کرده‌ایم. اما زمانه به اغلب ما نشان داد آنچه می‌پنداشتیم، واقعی نبود. معنای زندگی در اینجا نقش مؤثرش را به نمایش می‌گذارد که چه خوش‌گفت هرکس معنایی برای زندگی خویش بیابد، هر ناملاپتمنی را تحمل خواهد کرد. هرچند معنای زندگی برای هرکس منحصربه‌فرد است و خود باید آن را بیابد، اما برای بسیاری از افراد ایمن به خداوند بسپار کارگشاست که می‌تواند مانند قایقی امن در آغوش‌مان بگیرد و به سمت ساحل برسد، و ما به ساحل خواهیم رسید.

## ۱۴۰ میلیون تومان

براساس جزئیات اعلام‌شده از نرخ مالیات بر درآمد حقوق در سال جاری، سقف معافیت مالیاتی برای حقوق‌بگیران ماهانه ۴۰ میلیون تومان تعیین شده که معادل سالانه آن به ۴۸۰ میلیون تومان می‌رسد. مطابق این گزارش، نرخ‌های مالیاتی برای درآمد‌های بالاتر از سقف معافیت به‌صورت پلکانی محاسبه خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که درآمد ماهانه از ۴۰ تا ۸۰ میلیون تومان مشمول مالیات ۱۰ درصدی می‌شود. بر این اساس، درآمد‌های بالاتر از ۱۴۰ میلیون تومان در ماه نیز با نرخ ۲۰ درصد مشمول مالیات می‌شوند.

## ۱۷۰.۳ میلیارد دلار

ثروت هفت نفری که در میان ۱۰ میلیارد بر‌تر حضور دارند، کاهش یافته است. برنارد آرنو، مدیرعامل شرکت هلدینگ مد فرانسو LVMH، با ۵۵.۴ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین کاهش ثروت را تجربه کرد و ثروتش به ۱۵۳ میلیارد دلار نزول کرد. ثروت لری الیسون، بنیان‌گذار اوراکل، در همیشه ترسیم کند. به جای اینکه به اهدافی بیندیشیم که باید تا پایان سال به آنها برسیم، می‌توانیم اهدافی را تعیین کنیم که با تلاش و برنامه‌ریزی تا پایان روز یا پایان هفته به آنها دست خواهیم یافت. همچنین با درک ذهنی‌که می‌خواهد فقط به بحران پیش‌آمده بیندیشد و از چنین ذهنی چندان توقع تمرکز طولانی‌مدت بر یک تکلیف نمی‌رود، می‌توان بازه‌های زمانی پرداختن به یک تکلیف را کوتاه‌تر از همیشه کرد؛ ۲۵ دقیقه پرداختن به یک تکلیف و سپس یک وقفه پنج‌دقیقه‌ای و دوباره ادامه کار برای یک ۲۵ دقیقه دیگر.

## ۳۰۶۷۲ حاجی

ایران در حالی قرار بود اعزام حدود ۸۶هزارو ۷۰۰ زائر به حج تمتع را از دهه اول اردیبهشت ۱۴۰۵ آغاز کند که با آغاز و ادامه جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، این سناریو تغییر کرد. سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی ایران اطلاع داد قرار است فقط ۳۰هزارو ۶۷۲ نفر را ارسال به حج تمتع اعزام کند. این سازمان به دنبال این بوده که همه زائران را به سرزمین وحی اعزام کند و بر همین اساس برنامه‌ریزی لازم را انجام داده و «رقم طلب» (برای ویزای حج) دریافت کرده، اما جنگ تحمیلی و موضوعاتی که خارج از اراده ماست، از تشرّف همه زائران مانع می‌شود.